

کتاب دانیال — شماره شصت و شش

آشکار ساختن سمفونی نبوی: زمان مهرگذاری، باران آخر، و فراخوان خروج از بابل

Jeff Pippenger

2024-01-30

در بخشی که در مقاله پیشین بررسی کردیم گفته شد که «فیضان عظیم روح القدس» در باب هجدهم مکاشفه، «تا زمانی که قومی روشن ضمیر نداشته باشیم که از راه تجربه بدانند همکار خدا بودن چه معنا دارد، فرا نخواهد رسید.» اما وعده این است که هنگامی که «تقدیس کامل و از صمیم دل به خدمت مسیح داشته باشیم، خدا این واقعیت را با فیضانی از روح خود بی حد و اندازه به رسمیت خواهد شناخت.» شناسایی «فیضان عظیم» بر این دلالت دارد که فیضانی کمتر نیز وجود دارد (اندازه گیری شده).

در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، آن فرشته نیرومند مکاشفه هجده فرود آمد، اما «بزرگترین بخش کلیسا» در آن زمان، و هنوز نیز، «همکاران خدا در عمل نیستند.» میان ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ و زمانی که خدا این واقعیت را آشکار می سازد که سرانجام گروهی پدید آمده اند که به «تقدیس کامل و از صمیم دل برای خدمت مسیح» نائل شده اند، باران آخر «به اندازه» داده می شود، داوری زندگان واقع می گردد، و داوری از خاندان خدا آغاز می شود.

باب هجدهم مکاشفه، دو صدا را مشخص می سازد که خواهر وایت به ما اطلاع می دهد دو دعوت به کلیساها هستند. صدای دوم (دعوت)، همان دعوت بیرون آمدن از بابل است که در هنگام قانون یکشنبه که به زودی خواهد آمد، واقع می شود. صدای نخست در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ رسید. ریزش روح القدس که آنگاه آغاز شد، «به اندازه» بود، زیرا مسیح نخست می بایست مردمی را که سرانجام روح القدس را بر آنان «بی حد» فرو خواهد ریخت، پاک سازد، آنگاه که ایشان را در ساعت زلزله عظیم همچون علمی برافرازد. آن گروه می بایست پیش از آن که صدای دوم مکاشفه هجده به صدا درآید، تطهیر شوند، زیرا ایشان همان کسانی خواهند بود که آن پیام را اعلام خواهند کرد.

در نخستین یأس در بهار ۱۸۴۴، پروتستان ها به پروتستان های مرتد مبدل شدند، و وفادارانی که در آن هنگام خود را در زمان تأخیر یافتند، هیکل کسانی را نمایندگی می کردند که پیش تر قوم خدا نبودند. در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، فرشته نیرومند مکاشفه هجده فرود آمد، و نخستین گام در تطهیر و برپا ساختن هیکل آخرالزمانی خدا آغاز شد، و این آغاز با آزمون ادونتیسیم لائودیکیه ای بود. در ۱۸ ژوئیه ۲۰۲۰، دومین گام فرایند آزمون آغاز شد. در تعمید مسیح، فرایند جداسازی اسرائیل باستان آغاز گردید، زیرا مسیح در آن زمان نخستین شاگردان را برگزید؛ همانان که بنیان هیکل مسیحی بودند که او در آن تاریخ برپا می ساخت.

پس، در آغاز خدمت سه و نیم ساله خود، مسیح هیکل را تطهیر کرد؛ هیکلی که آن را «خانه پدر خود» نامید. و در پایان خدمت خویش، هنگامی که برای بار دوم و آخرین بار هیکل را تطهیر کرد، اعلام او این بود: «اینک خانه شما برای شما ویران گذاشته می شود.» قوم عهد پیشین کنار گذاشته شده بودند و قوم عهد جدید او به عنوان «هیکل او» برقرار گردیدند. در هنگام قانون یکشنبه، ساختار جمعی کلیسای ادونتیسیت روز هفتم ویران خواهد بود.

“نبی می گوید: «فرشته ای دیگر را دیدم که از آسمان نازل می شد و قدرتی عظیم داشت؛ و زمین از جلال او روشن گردید. و او به آواز بلند و نیرومند ندا درداد و گفت: بابل عظیم سقوط کرد، سقوط کرد، و مسکن دیوها شده است» (مکاشفه ۱۸: ۲). این همان پیامی است که به وسیله

فرشته دوم داده شد. بابل سقوط کرده است، «زیرا که او همه امت‌ها را از شراب خشم زنای خود نوشانیده است» (مکاشفه 14:8). آن شراب چیست؟—تعلیمات کاذب او. او به جای سبت فرمان چهارم، سبتی دروغین به جهان داده است، و آن دروغی را که شیطان نخستین بار در عدن به حوا گفت—یعنی جاودانگی طبیعی نفس—تکرار کرده است. او بسیاری از خطاهای هم‌خانواده را نیز دور و نزدیک پراکنده ساخته است، «و احکام انسان را در مقام تعلیم تعلیم می‌دهند» (متی 15:9).

«هنگامی که عیسی خدمت علنی خود را آغاز کرد، هیکل را از هتک حرمت کفرآمیز آن تطهیر نمود. در شمار واپسین اعمال خدمت او نیز، تطهیر دوم هیکل قرار داشت. بدین‌سان، در آخرین کار برای هشدار دادن به جهان، دو دعوت متمایز به کلیساهای داده می‌شود. پیام فرشته دوم این است: «بابل عظیم ساقط شد، ساقط شد، زیرا که همه امت‌ها را از شراب خشم زنای خود نوشانیده» (مکاشفه 14:8). و در فریاد بلند پیام فرشته سوم، آوازی از آسمان شنیده می‌شود که می‌گوید: «از او بیرون آیید، ای قوم من، مبادا در گناهانش شریک شوید، و مبادا از بلاهای او نصیبی ببرید. زیرا گناهانش تا به آسمان رسیده است، و خدا بی‌عدالتی‌های او را به یاد آورده است» (مکاشفه 18:4، 5). «ریویو آند هیرالد، ۶ دسامبر ۱۸۹۲».

نخستین تطهیر هیکل با نخستین صدا در مکاشفه فصل هجده هماهنگ است، و صدای دوم همان فریاد بلند است که سایر گله خدا را از بابل فرا می‌خواند. آیات یک تا سه هنگامی تحقق یافت که بناهای عظیم شهر نیویورک فرو افکنده شدند. این واقعه در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ رخ داد، و نخستین تطهیر هیکل، یا نخستین دو فراخوان به کلیساهای اعلام شد. نخستین فراخوان از هنگام تعمید مسیح آغاز شد، آنگاه که روح‌القدس از آسمان نازل گردید و آزمون برای اسرائیل باستان آغاز شد. در ۱۱ اوت ۱۸۴۰، نخستین تطهیر هیکل، یا نخستین دو فراخوان به کلیساهای، به جنبش میلری اعلام شد.

در آن زمان، باران آخر و مهر شدن یکصد و چهل و چهار هزار نفر، هم‌زمان با صحنه‌های پایانی داوری تحقیقی آغاز شد. در آن صحنه‌های پایانی، کار مسیح چنین به تصویر کشیده می‌شود که گناهان امینان را از کتاب گناهان محو می‌کند، یا نام‌های مسیحیان معترف را از کتاب حیات محو می‌سازد. آن دوره زمانی، دوره پاشیده شدن باران آخر است، زیرا خدا روح‌القدس را بی‌پیمانه فرو خواهد ریخت مگر هنگامی که کلیسا پاک باشد. در زمان قانون یکشنبه، ریزش روح‌القدس بی‌پیمانه خواهد بود.

«اے بھائیو، تم تیاری کے اس عظیم کام میں کیا کر رہے ہو؟ جو لوگ دنیا کے ساتھ متحد ہو رہے ہیں وہ دنیوی سانچے کو قبول کر رہے ہیں اور وحش کے نشان کے لیے تیاری کر رہے ہیں۔ اور جو اپنے نفس پر اعتماد نہیں کرتے، جو اپنے آپ کو خدا کے حضور فروتن بناتے ہیں اور سچائی کی فرمانبرداری کے ذریعے اپنی جانوں کو پاک کرتے ہیں، وہ آسمانی سانچے قبول کر رہے ہیں اور اپنی پیشانیوں پر خدا کی مہر کے لیے تیاری کر رہے ہیں۔ جب فرمان جاری ہو جائے گا اور مہر ثبت کر دی جائے گی، تو ان کا کردار ابدیت تک پاک اورے داغ قائم رہے گا۔» Testimonies, volume 5, 216.

ठहराए। दोषी में वषिय के न्याय और धार्मकता, पाप को संसार वह कहै यह का आत्मा पवतिर कार्य” के सत्य, है करते वशिवास पर सत्य जो, को लोगो उन वह जब है सकती जा दी चेतावनी तभी केवल को संसार, उच्च एक जो और, है करते आचरण अनुसार के सदिधांतो पवतिर और उच्च जो, देखे हुए कएि पवतिर द्वारा बीच के वालों रौदने तले पैरों अपने उन्हें और वालों मानने को आज्जाओं की परमेश्वर, में अर्थ उदात्त है करता चहिनति को भेद के बीच के लोगो उन पवतिरीकरण का आत्मा है। करते प्रकट को रेखा-वभिजन परीक्षा जब है। मानते को दनि-वशि्राम जाली एक जो बीच के लोगो उन और, है मुहर की परमेश्वर पर जनि पालन का रवविर वह है। क्या चनिह का पशु कजाएगा दयिा दिखा से रूप स्पष्ट यह तब, आएगा समय का छाप की मनुष्य के पाप उस वे, है रहते मानते पवतिर को दनि इस भी बाद के लेने सुन सत्य लोग जो है। करना “ Bible Training School, था। कयिा वचिर का बदलने को व्यवस्थाओं और समयों जसिने, है करते धारण

December 1, 1903.

اشعیا «روز باد شرقی» را—که آن را «باد تند» نیز می‌نامد و مهار می‌شود (بازایستاده می‌شود)—به‌عنوان زمانی معرفی می‌کند که «اندازه‌گیری» آغاز می‌شود.

به‌اندازه، آنگاه که آن را روانه می‌سازد، با آن محاجّه خواهی کرد؛ او در روز باد شرقی، باد سخت خود را بازمی‌دارد. پس بدین‌سبب گناه یعقوب کفّاره خواهد شد؛ و تمامی ثمر برداشته‌شدن گناه او این خواهد بود: چون همه سنگ‌های مذبح را همچون سنگ‌های گچ که درهم کوبیده شده باشند، خرد سازد، بی‌شبه‌ها و بت‌ها دیگر برپا نخواهند ماند. اما شهر حصاردار ویران خواهد شد، و مسکن متروک گشته، همچون بیابان رها خواهد شد؛ در آنجا گوساله خواهد چرید، و در همان‌جا خواهد آرمید، و شاخه‌های آن را خواهد بلعید. چون شاخه‌هایش خشک شوند، شکسته خواهند شد؛ زنان می‌آیند و آنها را به آتش می‌کشند؛ زیرا این قومی بی‌فهم‌اند؛ از این‌رو آن که ایشان را آفرید، بر آنان رحم نخواهد کرد، و آن که ایشان را صورت بخشید، بدیشان التفات نخواهد نمود. و در آن روز واقع خواهد شد که خداوند از مجرای نهر تا وادی مصر خواهد کوفت، و شما، ای بنی‌اسرائیل، یک‌به‌یک جمع خواهید شد. و در آن روز واقع خواهد شد که کرنای عظیم نواخته خواهد شد، و آنان که در سرزمین آشور در آستانه هلاکت بودند، و رانده‌شدگان در سرزمین مصر، خواهند آمد و خداوند را بر کوه مقدس در اورشلیم پرستش خواهند کرد. اشعیا 6:27-13.

«بادِ مشرق» همان قدرتی است که «کشتی‌های ترشیش» را غرق می‌کند و داوری را بر فاحشه‌ها صورت فرود می‌آورد. «بادِ مشرق» همان قدرتی است که پادشاهان را به هراس می‌افکند. «بادِ مشرق» همان چیزی بود که آفتِ «بادزدگی» را بر مصر آورد؛ همان که هفت سال قحطی را پدید آورد، آنگاه که یوسف و فرعون تمام جهان (مصر) را به بندگی کشاندند؛ و این نیز «بادِ مشرق» بود که «ملخ‌ها» را آورد، همان‌ها که در هنگام رهایی از مصر همه‌چیز را بلعیدند. اسلام همان «بادِ مشرق» است.

تحریکات اصلاح نبوت کتاب مقدس ثابت می‌کنند که هر حرکت اصلاحی، موضوع ویژه خود را دارد. موضوع حرکت اصلاحی یک‌صد و چهل و چهار هزار، اسلام است. در 11 سپتامبر 2001، اسلام وای سوم بر وحش زمین حمله کرد، و جورج دبلیو. بوش، «دومی»، بی‌درنگ مهاری بر «بادِ مشرق» نهاد. در آن رویداد، چنان‌که خواهر وایت ثبت می‌کند، هنگامی که بناهای عظیم شهر نیویورک فرو ریخته می‌شوند، مکاشفه هجده، آیات یک تا سه، به انجام رسید. آن سه آیه، نخستین دو صدا را در باب هجده مکاشفه نشان می‌دهند. صدای دوم در آیه چهار واقع است، و آن ندای خروج از بابل را مشخص می‌سازد، که با قانون یکشنبه در ایالات متحده آغاز می‌شود. اسلام وای سوم به‌وسیله چهار فرشته باب هفت مکاشفه مهار می‌شود، در حالی که یک‌صد و چهل و چهار هزار مهر می‌شوند.

«خداوند خدا، خدایی غیور است؛ باین‌حال، در این نسل گناهان و تعدیات قوم خویش را با بردباری بسیار تحمل می‌کند. اگر قوم خدا در مشورت او سلوک کرده بودند، کار خدا پیش می‌رفت، و پیام‌های حقیقت به همه مردمانی که بر روی تمامی زمین ساکن‌اند رسانیده می‌شد. اگر قوم خدا به او ایمان آورده و عاملان کلام او می‌بودند، اگر احکام او را نگاه داشته بودند، آن فرشته با پیامی برای آن چهار فرشته‌ای که می‌بایست پادها را رها کنند تا بر زمین بوزند، در آسمان پروازکنان نمی‌آمد و ندا در نمی‌داد: نگاه دارید، نگاه دارید، چهار باد را تا بر زمین نوزند، تا آن‌گاه که بندگان خدای ما را بر پیشانی‌هایشان مهر کرده باشم. اما چون مردم، همانند اسرائیل باستان، نافرمان، ناسپاس و ناپاک‌اند، زمان به درازا کشیده شده است تا همه بتوانند آخرین پیام رحمت را که با آواز بلند اعلام می‌شود بشنوند. کار خداوند به تأخیر افتاده و زمان مهرگذاری به تعویق افتاده است. بسیاری هنوز حقیقت را نشنیده‌اند. اما خداوند به آنان فرصت خواهد داد تا بشنوند و ایمان آورند، و کار عظیم خدا به پیش خواهد رفت.» Manuscript Releases, جلد 15، 292.

کسانی که مهر شده‌اند، پیش از قانون یک‌شنبه مهر می‌شوند، زیرا جهان تنها با دیدن مردان و زنانی در بحران قانون یک‌شنبه که مهر خدا را دارند، می‌تواند هشدار داده شود و از این‌رو از بابل فراخوانده شود. مهر کردن صد و چهل و چهار هزار تن در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ آغاز شد، اما زمان مهرگذاری به تأخیر افتاد.

تمام انبیا نسل آخر را مخاطب قرار می‌دهند، و این بخش مستقیماً به نسل نهایی ارجاع دارد. در این نسل نهایی، قوم خدا «در مشورت او سلوک نکردند»، و از همین‌رو زمان مهرگذاری بازداشته و به تأخیر افتاد. این تأخیر و بازداشت به‌وسیله آن وحش برآمده از هاویه در مکاشفه باب یازدهم پدید آمد، همان که آن دو نبی را کشت. آن وحش در زمان انقلاب فرانسه، الحاد بود، و نمونه پیشگویانه آن جنبش الحادی بود که به‌وسیله کسانی که «وکنیسم» را وارد کردند، به درون جنبش Future for America آورده شد؛ و آنگاه Future for America از سلوک در مشورت خدا بازایستاد و اجازه داد نفوذ کسانی که دستورکار نوین همجنس‌گرایانه خود را ترویج می‌کردند، همراه با دیگرانی که ترویج‌کننده تعیین وقت بودند، زمان مهرگذاری را بازدارند.

«بسیاری از آنچه بر من مکتشف شده است، بر ذهنم هجوم می‌آورد، به‌گونه‌ای که به‌سختی می‌دانم چگونه آن را بیان کنم. با این همه، نمی‌توانم خاموش بمانم. خداوند بر مردانی که خود را برای حکمرانی بر هم‌نوعان خویش برمی‌افرازند و می‌کوشند نقشه‌هایی را به اجرا گذارند که روح‌القدس آن‌ها را محکوم کرده است، خشمگین است. از ناتوانی شما در تشخیص این حقیقت که خدا این مردان را برپا نداشته است، بیش از آنچه بتوانم بیان کنم، در شگفتم. این نظم نوین امور باید شما را به هراس اندازد، زیرا از تأیید آسمان برخوردار نبوده است.»

«دل طبیعی نباید اصول آلوده و فاسدکننده خود را به کار خدا وارد سازد. نباید هیچ پنهان‌ساختنی از اصول ایمان ما وجود داشته باشد. پیام فرشته سوم باید به‌وسیله قوم خدا اعلان شود. این پیام باید تا فریاد بلند اوج گیرد. خداوند زمانی معین دارد که در آن کار را به پایان خواهد رسانید؛ اما آن زمان چه هنگام است؟ هنگامی که حقیقتی که باید برای این ایام آخر اعلام شود، به‌عنوان شهادتی به همه امت‌ها برسد، آنگاه انتها خواهد آمد. اگر قدرت شیطان بتواند به خود هیكل خدا راه یابد و امور را چنان‌که می‌خواهد دستکاری کند، زمان آمادگی به درازا خواهد کشید.»

«در اینجا راز جنبش‌هایی نهفته است که برای مخالفت با مردانی پدید آمدند که خدا ایشان را با پیامی از برکت برای قوم خود فرستاده بود. این مردان مورد نفرت واقع شدند. همان‌گونه که خود مسیح در نخستین ظهورش مورد نفرت و تحقیر قرار گرفت، این مردان و پیام خدا نیز به‌راستی خوار شمرده شدند. مردانی که در مناصب مسئولانه بوده‌اند، همان صفاتی را آشکار ساخته‌اند که شیطان اظهار کرده است. آنان کوشیده‌اند بر اذهان حکومت کنند و عقل و استعداد‌های ایشان را تحت اقتدار انسانی درآورند. تلاشی صورت گرفته است تا خادمان خدا تحت سلطه مردانی قرار گیرند که نه معرفت و حکمت خدا را دارند و نه تجربه‌ای زیر هدایت روح‌القدس. اصولی زاده شده‌اند که هرگز نباید روشنایی روز را می‌دیدند. آن فرزند نامشروع می‌بایست همان هنگام که نخستین نفس حیات را کشید، خفه می‌شد. انسان‌های محدود با خدا و حقیقت و رسولان برگزیده خدا جنگیده‌اند و به هر وسیله‌ای که جرأت به کار بردنش را داشته‌اند، در کار ایشان اختلال کرده‌اند. لطفاً در نظر بگیرید که در حکمت و نقشه‌های کسانی که پیام‌های خدا را خفیف شمرده‌اند و همچون کاتبان و فریسیان، همان مردانی را که خدا برای اراده نور و حقیقتی که قومش بدان نیاز داشتند به کار برده بود، تحقیر کرده‌اند، چه فضیلتی وجود داشته است.» The 1888 Materials,

1525

زمان مهر بندی، جو 11 ستمبر 2001 کو شروع ہوا، رکاوٹ کا شکار ہوا، کیونکہ شیطان کے نمائندوں کو اجازت دی گئی کہ وہ "خدا ہی کے بیکل" میں داخل ہو جائیں۔ وہ نکتہ جو یہاں دیکھا جانا چاہیے یہ ہے کہ

1798 سے 1844 تک ملیرائی ہیکل تعمیر کیا گیا، اور 22 اکتوبر 1844 کو عہد کا فرشتہ اچانک اپنے ہیکل میں آ پہنچا۔ ہیکل اور لشکر بارہ سو ساٹھ برس تک پاپائیت کے ہاتھوں پامال کیے گئے تھے، اور جب پاپائیت کو اس کا مہلک زخم لگا تو مسیح نے ملیرائی ہیکل کی تعمیر کا کام شروع کیا، اور ہیکل کی علامت متعدد گواہوں پر عدد چھپالیس ہے۔

در ۱۱ اوت ۱۸۴۰، فرشتہ مکاشفہ ۱۰ فرود آمد، و داوری پروتستانٹیسزم آغاز شد۔ آن تاریخ به عین حروف تکرار می شود۔

در کتاب مقدس، این «باد شرقی» است که کشتی های ترشیش را غرق می سازد، و آن شهر عظیم صور را فرو می افکند، و پادشاهان و بازرگانان را و می دارد که سه بار فریاد برآورند: «وای، وای» (افسوس، افسوس). اما در بخشی از اشعیا که اکنون مورد بررسی ماست، روز «باد شرقی» روزی است که خدا «باد سخت خود را بازمی دارد». در این بخش، «باد شرقی» مهار شده است تا مانع کار فرشته سوم نگردد؛ کاری که در زمان باران آخر انجام می پذیرد. در این بخش، موضوع «باد شرقی» ای که مهار شده است، معرف باران آخر، کار فرشته سوم، و بیرون آوردن دیگر فرزندان خدا از بابل است. در آن دوره زمانی، چهار فرشته چهار باد را نگاه می دارند، در زمان مهر شدن صد و چهل و چهار هزار نفر.

اور ان باتوں کے بعد میں نے چار فرشتے زمین کے چار کونوں پر کھڑے دیکھے، جو زمین کی چار ہواؤں کو تھامے ہوئے تھے، تاکہ نہ ہوا زمین پر چلے، نہ سمندر پر، اور نہ کسی درخت پر۔ پھر میں نے ایک اور فرشتہ مشرق سے چڑھتا ہوا دیکھا، جس کے پاس زندہ خدا کی مہر تھی؛ اور اُس نے بلند آواز سے ان چار فرشتوں کو، جنہیں زمین اور سمندر کو نقصان پہنچانے کا اختیار دیا گیا تھا، پکار کر کہا، یہ کہتے ہوئے: نہ زمین کو نقصان پہنچاؤ، نہ سمندر کو، اور نہ درختوں کو، جب تک کہ ہم اپنے خدا کے بندوں کی پیشانیوں پر مہر نہ کر دیں۔ مکاشفہ 7:1-3۔

ٹھہری ہوئی "مشرقی ہوا"، "غضبناک قوموں" کو روکے رکھنا، اور "چار ہواؤں" کو تھامے رکھنا—یہ سب کچھ بار آخر کے زمانے میں واقع ہوتا ہے، کیونکہ بار آخر ہی وہ مدت ہے جس میں خدا کی مہر اُس کی قوم پر لگائی جاتی ہے۔ وہ چار ہوائیں جنہیں چار فرشتے روکے ہوئے ہیں، اسلام کی علامت ہیں۔

«فرشتگان چہار باد را نگاه داشته اند، کہ به اسبی خشمگین تصویر شده اند؛ اسبی کہ می کوشد از بند رہا شود و بر سراسر روی زمین بتازد، و در مسیر خود ویرانی و مرگ را به بار آورد.»

«آیا بر درست بر لبہ جهان جاودان به خواب خواهیم رفت؟ آیا کرخت و سرد و مردہ خواهیم بود؟ آہ، کاش در کلیساهای ما روح و نفس خدا در قوم او دمیدہ شود تا بر پای های خویش بایستند و زندہ گردند۔ ما نیاز داریم ببینیم کہ راہ تنگ است و دروازہ باریک۔ اما ہنگامی کہ از دروازہ تنگ می گذریم، فراخی آن بی کران است.» Manuscript Releases، جلد 20، 217۔

ما این حقایق را در مقالہ بعدی بیشتر بررسی خواهیم کرد، زیرا «در ایام این پادشاهان»، کہ به وسیلہ ہشتمین پادشاہی نبوت کتاب مقدس نمایانده شدہ است و «از آن ہفت» پادشاہی است، خداوند پادشاہی ای جاودانہ برپا می سازد۔

اور اُن بادشاہوں کے ایام میں آسمان کا خدا ایک ایسی بادشاہی قائم کرے گا جو کبھی نیست نہ ہوگی، اور اُس کی سلطنت کسی دوسری قوم کے حوالہ نہ کی جائے گی؛ بلکہ وہ ان سب سلطنتوں کو ٹکڑے ٹکڑے کر کے نیست و نابود کر دے گی، اور وہ ہمیشہ تک قائم رہے گی۔ کیونکہ تو نے دیکھا کہ وہ پتھر پہاڑ سے بغیر ہاتھوں کے کاٹا گیا، اور اُس نے لوہے، پیتل، مٹی، چاندی اور سونے کو ٹکڑے ٹکڑے کر دیا؛ سو خدای عظیم نے بادشاہ پر ظاہر کر دیا ہے کہ اس کے بعد کیا کچھ واقع ہوگا؛ اور یہ خواب یقینی ہے اور اُس کی تعبیر برحق۔ دانی ایل 2:44، 45۔